

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

يكي از آیات شریفه‌ای که باید آن را جزء آیات دالّه بر برزخ قرار داد و ضمن همان آیات ذکر کرد، آیات آخر سوره مبارکه واقعه است که ما برخی از آنها را قبلاً بحث کردیم. امروز در این آیات می‌خواهیم بحث کنیم که می‌فرماید «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ» اگر این شخص آیات خدا را تکذیب کرده باشد و از مکذبین باشد و از گمراهان و ضالین باشد «فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» نزل را دیروز معنا کردیم و در مجمع البحرین هم همین معنا آمده که نُزِّلُ «ما يعد للضيف النازل علي الشخص» مهمانی که بر انسان وارد می‌شود، از آن پذیرایی‌ای که برای او آماده می‌شود تعبیر به نُزِّلُ می‌کنند، طعام و شرابی که برای او آماده می‌شود، از او تعبیر به نزل می‌کند. «الماء شديد الحرارة يسقي منه أهل النار» آن آب جوشان، حمیم آب خیلی جوشان را می‌گویند که اهل نار از آن می‌خورند یا بر ابدانشان ریخته می‌شود، آن وقت در آیه می‌فرماید کسانی که مکذّب هستند، چون قبلش آیاتی است که قبلاً هم بحث کردیم «فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ، وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ» حالات مرگ را بیان می‌کند! بعد می‌فرماید «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ، وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ، فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ، فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ □ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» که حالا در روایات وارد شده این نزل من حمیم در عالم قبر است، تصلیة جحیم مربوط به عالم قیامت است.

در مورد تصلیة، در لغت اصلاً در اینکه همین صلاة که «الصلي» است معنای لغوی‌اش چیست؟ تصلیة هم از همان صلي است. لغویین مثلاً گفتند به صلاة می‌گویند صلاة، صلا آن استخوانی است که پشت انسان قرار دارد و علیتین آن را پوشانده «لأن المصلي يحرك صلوه» آن دو علیه‌ی خودش در حال نماز حرکت می‌کند، لذا به این می‌گویند مصلي. باز ابن فارس گفته این صلاة من صلیة العود بالنار است، صلي به معنای نرم، إذا لیته لأن المصلي يلين بالخشوع، مصلي بر اثر خشوع نرم می‌شود، در نماز چون يك حالت وقار، نرمی و خشوع وجود دارد به آن مصلي می‌گویند، بعضی‌ها هم از صلاة به معنای دعای گرفتند، بالأخره صلاة به معنای دعا، رحمت، به معنای آن عزمی که علیتین بر آن هست و یا به معنای نرمی، معانی مختلفی دارد. اما در قرآن وقتی می‌گوید «يصلي صلي» به معنای سوختن است! تصلیة به معنای این است که او را در معرض برای آتش قرار دادند و داخل آتش انداختند، تصلیة جحیم یعنی او را داخل در جحیم و نار بیندازند. اینجا شاهد همین است که نزل من حمیم در روایات به قبر تطبیق شده و تصلیة جحیم مربوط به آخرت است.

در امالی که در همین بحار صفحه 222 جلد ششم این روایت را از امالی آورده، آنجا عن موسي بن جعفر عن أبيه امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که راوی اولش هم موسی بن جعفر است «إذا مات المؤمن شيعه سبعون ألف ملك» هر مومنی را هفتاد هزار ملك تشییع می‌کند «إلي قبره فإذا ادخل قبره أتاه منكر و نكير» نكير و منكر می‌آیند «فيقعدانه» او را می‌نشانند، نه اینکه این میّت را می‌نشانند! ولي در همان قالب مثالی او را می‌نشانند «و يقولان له من ربك و ما دينك و ما النبيك؟» رب تو کیست، دين تو کیست و نبي تو کیست؟ «يقول ربي الله و محمد(ص) نبي و الإسلام ديني فيفصحان له في قبره مدّ بصره» در قبرش

اینقدر به او گسترش می‌دهند که به اندازه‌ی بینایی چشمش گسترش داده می‌شود. دیدید در بعضی از روایات دارد که به اندازه‌ی سبعة ازرع! در این روایت دارد فیفصحن له فی قبره مدّ بصره، یعنی تا چشمش کار می‌کند وسیع است!

حال این را می‌شود حمل بر این کرد که این به اختلاف مراتب است، یعنی اقلّ مرتبه‌ای که انسان جوابش در عالم قبر صحیح باشد این است که به اندازه‌ی سبعة ازرع قبر او گشایش پیدا می‌کند، یعنی با همان قالب مثالی اطراف خودش را باز می‌بیند در همان قالب مثالی، اما اگر در درجات بالایی باشد به اندازه‌ی مدّ بصر برای او گسترش پیدا می‌کند و بگوئیم به اختلاف موارد مختلف می‌شود، به اختلاف اشخاص و اعمال، تمام اختلاف مرتبه‌ای هک در این روایات آمده این را می‌توانیم حمل بر اختلاف مراتب افراد و اشخاص کنیم!

«و یأتیانہ بالطعام من الجنه» این آدمی که درست جواب داده، اولاً فیفصحن، به اندازه‌ی دید چشم وسعت پیدا می‌کند «یأتیان» این نکیر و منکر طعام جنت را برای او می‌آورند «و یدخلان علیه الروح و الريحان» راحتی و ریحان را در قالب مثالی او قرار می‌دهند که قبلاً احتمالاتی که روح و ریحان بود را مفصل معنا کردیم، «و ذلك قوله عزوجل فأما إن كان من المقربين فروح و ريحان يعني في قبره و جنة نعيم يعني في الآخرة». «ثم قال عليه السلام» بعد امام صادق فرمود «إذا مات الكافر شيعة سبعون ألفاً من الزبانية إلی قبره» زبانیه آنهایی هستند که مأمورین نار هستند، آنها او را تشییع می‌کنند «وإنه لیناشد حاملیه بصوت یسمعه کلّ شيء إلا الثقلان» وقتی دارند کافر را تشییع می‌کنند، آنهایی که کافر را حمل می‌کنند، کافر با آنها مناشده می‌کند و آنها را قسم می‌دهد، به يك صوتی که فقط ثقلان (یعنی جن و انس) نمی‌شنوند، اما بقیه‌ی موجودات عالم، حیوانات و ملائکه می‌شنوند، «و يقول لو أن لی کره فأكون من المؤمنین» اگر من را به دنیا برگردانند من جزء مومنین خواهیم بود «و يقول إرجعون لعلی أعمل صالحاً فیما ترکت فتجیبه الزبانية کلا إنها كلمة أنت قائله» دروغ می‌گوئی «وینادیهم ملک لو ردّ لعاد لما نهی عنه» اگر این را به دنیا برگردانند باز کافر خواهد بود. «فإذا ادخل قبره» وقتی داخل در قبر می‌شود «وفارغه الناس أناه منکر و نکیر» عرض کردم منکر و نکیر می‌آیند سراغ آن قالب مثالی‌اش، منتهی این کسی که از دنیا می‌رود و در قالب مثالی قرار می‌گیرد خودش اطلاع دارد که الآن چه کسانی این جسم مادّی او را حمل می‌کنند؟ آنها را می‌بیند، اما نکیر و منکر می‌گذارند وقتی جسم مادّی او را همه گذاشتند و رفتند! الآن می‌بیند که هیچ کس اطراف این جسم مادّی‌اش نیست و خودش در آن قالب مثالی قرار دارد، این دو نکیر و منکر که می‌آیند «فی أحول صورة فيقیمان» او را می‌نشانند، باز نه اینکه جسم مادّی در خاک را بنشانند، در همان قالب مثالی.

«ثم يقولان له من ربك و ما دينك و ما النبيك و يتلجلج لسانه» لسانش به تردید می‌افتد و نمی‌تواند حرف بزند! «ولا يقدر علی الجواب» نه می‌تواند بگوید خدا کیست، دین من چیست، نبی من کیست؟ «فیضربانه ضربة من عذاب الله یضمر لها کلّ شيء» ضربه‌ای به او می‌زنند که تمام موجودات عالم از آن ضربه وحشت می‌کنند. «ثم يقولان له من ربك و ما دينك و ما النبيك؟ فيقول لا أدري فيقولان له لا دريت و لا هدیت» تو نفهمیدی و هدایت هم نشدی «ولا افلحتهم یفتحان له باباً إلی النار» يك بابی به سوی نار بر او باز می‌کنند «و ینزلان إلیه من الحمیم من جهنم» از حمیم جهنم بر همین قالب مثالی وارد می‌کنند. که عرض کردیم حمیم آن آب جوشان جهنم است «و ذلك قول الله عزوجل و أما إن كان من المكذبین الضالین فنزل من حمیم» امام صادق می‌فرماید این آیه شریفه که در آخر سوره واقعه است، این مکتب ضال برای او حمیم و آب جوشان جهنم است و این مربوط به عالم قبرش است «و تصلیة حمیم» مربوط به عالم آخرتش است.

پس معلوم می‌شود که در خود عالم قبر، عالم برزخ هم يك عالمی است، یعنی این آیه اولاً دلالت دارد بر اصل عالم برزخ، بر عذاب

عالم برزخ، کما اینکه آیات قبلی اش هم دلالت بر اصل عالم برزخ و بر وجود روح و ریحان و جنت، یعنی خوشی بسیار خوبی برای مؤمنین و مقرّبین در عالم برزخ دارد.

(سؤال و پاسخ استاد): يك بحث در این است که مکتب ضال کیست؟ در روایات تطبیق بر مشرکین شده، تطبیق بر دشمنان اهل بیت (ع) شده و در بعضی از روایات دارد «هم أعداء آل محمد (ص)» در تفسیر علی بن ابراهیم روایتی دارد که اینطور معنا کرده. در کافی شریف روایت را که نقل می‌کند، می‌فرماید «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ» روایت از امام باقر (ع) است که می‌فرماید «فَهؤلاء مشرکین» مراد مشرکین است. در کتاب تأویل الآيات الظاهرة شرح الآيات الباهرة که از منشورات جامعه مدرسین است، تأویل آیات در مورد اهل بیت را در آنجا ذکر کرده، روایتی که در آنجا نقل می‌کند در صفحه 630 می‌گوید «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ قَالَ الْجَاهِدِينَ لِلْإِمَامِ (ع)» آنهایی که منکر امام (ع) هستند.

اینجا امیرالمؤمنین کلامی را در نهج البلاغه دارد؛ خطبه 83 واقعاً خطبه عجیبی است، اسم آن را خطبة الغراء گذاشتند که سید رضی می‌گوید در روایتی وارد شده وقتی امیرالمؤمنین (ع) داشتند این خطبه را می‌خواندند مخاطبین همینطور اشک می‌ریختند. از خصوصیات که حضرت راجع به مرگ، قیامت و قضایای روز قیامت در این خطبه بیان کرده. در يك قسمت خطبه می‌فرماید «فهل دفعت الأقارب» آیا اقارب این میت می‌توانند مرگ را از او دفع کنند؟ «أو نفعت النواحب» یا نوحه‌ها و فریادهای بازمانده‌ها برای او نفعی دارد؟ «و قد عود رفی محله الاموات رهین» این را به محله اموات سپردند «و فیضیق المضجع وحیداً، قد هتکت الهوام جلدته» حشرات زمین پوست و بدن او را متلاشی می‌کنند «و ابلت النواحب جدته» سختی‌های گور او را می‌پوساند «و عفتا لعواصف آثاره» تندبادها بعداً تمام این آثار را از بین می‌برد. تا می‌رسد به اینجا که می‌فرماید «حتی اذا انصرف المشیع» زمانی که تشییع کننده‌ها به منازلشان برمی‌گردند «ورجع المتفجع» آنکه مصیبت دیده است هم برمی‌گردد «اقعد فی حفرة نجيا لبهته السؤال» این را در همان حفرة خود می‌نشانند «و عثره الامتحان» از ترس در سؤال و لغزش در امتحان صدایش در نمی‌آید و صدایش نمی‌تواند جوهر داشته باشد. اینکه در کلام امیرالمؤمنین دارد اقعد فی حفرة یا در آن روایت داریم اقعد فی قبره، می‌شود گفت آن قالب مثالی را به این عالم قبر می‌آورند، مثل اینکه اگر انسان خواب ببیند که در يك لوله‌ای قرار گرفته، چقدر برای او ضیق است! این قالب مثالی را به این عالم قبر می‌آورند، اینکه در آن روایت دارد که شب اول قبر روح به این بدن برمی‌گردد به این معنا نیست که این بدن حرکت کند و زنده شود! مثل این دنیا حرف بزند و بشنود و ببیند، بلکه آن قالب مثالی را در این قبر قرار می‌دهند، نه اینکه دو مرتبه روح برمی‌گردد و این مثل عالم دنیا زنده می‌شود. قالب مثالی را نمی‌برند در يك باغ یا بستانی! قالب مثالی را به همین عالم قبر می‌آورند.

«واعظم ما هنالك بلیه نزول الحمیم» این کلام امیرالمؤمنین (ع) را شاهد آوردیم برای اینکه حضرت می‌فرماید «أعظم ما هنالك بلیه» شدیدترین بلی به عذاب در عالم قبر نزول الحمیم است، آب جوشان جهنم است. بعد می‌فرمایند «و تصلية الحمیم و فورات السعیر، و سورات الزفیر، لا فتره مریحه» يك لحظه کافر و مشرک آرام و استراحت ندارند، اینطور نیست که وقتی دارند اینها را عذاب می‌کنند بگویند حالا تو يك لحظه استراحت کن دومرتبه تو را عذاب می‌کنیم! «و لا دعة مزیحة» يك زمان و آرامشی که درد او را کم کند ندارد «و لا قوة حازجة، و لموتة ناجزة» يك قدرتی که مانع از کیفر این بشود و یا يك خوابی که در اثر آن خواب يك مقدار نجات پیدا کند، تا آخر حضرت بیان می‌کند و بعد جمله‌ای که در آخر می‌آورد، ببینید وقتی امیرالمؤمنین (ع) این جمله را بگوید ما باید چکار کنیم؟! می‌فرماید «انا بالله عائدون». عجیب این است که نواصب هستند و حق امام (ع) و امامت ائمه

ما گاهی اوقات می‌گوئیم اینها مربوط به کفار، مشرکین و آنهایی است که نواصب هستند و حق امام (ع) و امامت ائمه

معصومین(ع) را انکار کردند ولی وقتی خود امیرالمؤمنین از این گرفتاری‌ها به خدا پناه می‌برد! که واقعاً وقتی آدم به این جمله می‌رسد باید تکان بخورد، وقتی امیرالمؤمنین می‌فرماید «إِنَّا بِاللَّهِ عَائِدُونَ» یعنی خدایا ما از همین حالا به تو پناه می‌بریم و تو باید به ما عنایت کنی و دست ما را بگیری از شدائد و گرفتاری‌های مربوط به عالم برزخ است.

حالا شاهد ما این بود که در اینجا هم حضرت اشاره می‌کنند به نَزْلُ حَمِيمٍ و این «فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ» یکی از عذاب‌های قبر است. تا به حاهل اینطور بیان شد که فشار قبر و ظلمت قبر هم از عذاب‌های قبر است، وحشتی که انسان در قبر دارد از عذاب‌های قبر است، که عرض کردم تمام اینها را قالب مثالی می‌بیند، اینها مربوط به عذاب قبر است، هر ضربتی که به این کافر زده می‌شود مربوط به عذاب قبر است، حتّی بعضی از اموات کفّار در قبرشان دائماً آتش وجود دارد منتهی ما نمی‌بینیم ولی خودش قالب مثالی خودش را در همان آتش می‌بیند «حَفْرَةُ مِنْ حَفْرِ النَّيِّرَانِ» این از عذاب‌های قبر است، «نَزْلُ مِنْ حَمِيمٍ» هم از عذاب‌های قبر است، ببینید چه عذاب‌هایی بر عالم قبر است که اینها قبل از عذاب قیامت است و ما روایت داریم که پیامبر(ص) می‌فرماید عذاب قیامت به مراتب مشکل‌تر از عذاب قبر است، یعنی نار در قبر با نار در قیامت قابل مقایسه نیست و به مراتب مشکل‌تر است.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين